



Methods of Protecting the Weaker Party in Commercial Contracts under the Legal Systems of Iran and France

Jamshid Mirzaei, Hamidreza Ghorbani Amniyeh

Date Received : 2024/08/02 Date accepted : 2024/11/24

Abstract

Under the principle of freedom of contract, each party is free to voluntarily accept the terms and engage in a contract. However, there are instances where, due to factors such as economic and social power or superior bargaining ability, one party finds themselves in a weaker position. This issue has driven legal systems worldwide to develop provisions and mechanisms aimed at protecting the weaker party in contracts. Given the importance of this matter, the present article examines these issues within the legal systems of Iran and France. The study first investigates the French legal system, concluding that the French Civil Code recognizes extreme hardship, contractual imbalance, and excessive, undue advantage by one party as grounds for protection. Similarly, in Iran's legal system, certain laws and interpretive methods for contracts have been enacted to safeguard the weaker party.

Key words: Freedom of Contract, Iranian Law, French Law, Weaker Party in Contracts

شیوه های حمایت از طرف ضعیف در قراردادهای تجاری در نظام حقوقی ایران و فرانسه

جمشید میرزائی^۱، حمیدرضا قربانی امنیه^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳ / ۹ / ۳

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳ / ۵ / ۱۲

چکیده

بر اساس اصل آزادی قراردادی هر یک از طرفین قرارداد آزادند تا با اختیار خود مفاد قرارداد را بپذیرند و دست به انعقاد آن بزنند. لیکن، گاه اتفاق می افتد که به دلایلی نظیر قدرت اقتصادی و اجتماعی یا توان چانه زنی بالاتر، یکی از طرفین در موضع ضعف قرار می گیرد. همین عامل سبب شد تا نظام های حقوقی دنیا به تدوین مقررات و مکانیزم هایی در جهت حمایت از طرف ضعیف قرارداد، اقدام ورزند. مقاله حاضر با توجه به اهمیت موضوع به بررسی مسئله مذکور در نظام های حقوقی ایران و فرانسه پرداخت. ابتدا این مسئله در حقوق فرانسه بررسی شد و مشخص گردید که قانون مدنی فرانسه برای حمایت از طرف ضعیف قرارداد، سختی بیش از حد، عدم تعادل قراردادی و مزیت آشکارای بیش از حد یکی از طرفین را پیش بینی کرده است. در حقوق ایران نیز با تصویب برخی قوانین و بهره گیری از تفسیر قراردادها سعی شده است تا از طرف ضعیف قرارداد حمایت شود.

کلید واژه ها: آزادی قراردادی، حقوق ایران، حقوق فرانسه، طرف ضعیف قرارداد

۱- استادیار حقوق خصوصی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران
(نویسنده مسئول) (mirzaie.1348@yahoo.com)

۲- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران
(private.law213@gmail.com)

اصل آزادی قراردادی^۱ اصلی پذیرفته شده در حقوق تجارت است به این مضمون که اشخاص و متعاملین در انعقاد قراردادها آزاد هستند و هیچگونه محدودیتی در اراده خود مبنی بر انعقاد قرارداد ندارند و هیچکس نمی تواند هیچ گونه محدودیتی بر اراده انسان برای مشخص نمودن شروط و حدود قراردادها و مذاکرات آن تحمیل کند.^۲ به عبارت دیگر، هر شخصی می تواند با تکیه بر اراده خویش، قراردادهایی را که قانون قابل اجرا می داند و برای آن ضمانت اجرائی در نظر گرفته است، بپذیرد یا از پذیرش آن امتناع ورزد.^۳

قانونگذار از طریق ماده ۱۰ قانون مدنی، این اصل را به عنوان بخشی از اصل حاکمیت قانونی در نظام حقوقی ایران به رسمیت شناخته است. به موجب این ماده: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند در صورتی که خلاف صریح قانون نباشد نافذ است». «پس جز در مواردی که قانون مانعی در راه نفوذ قرارداد ایجاد کرده است اراده اشخاص، حاکم بر سرنوشت پیمانهای آنها است و آزادی اراده را باید به عنوان اصل پذیرفت».^۴ برخی از حقوق دانان منشأ الهام این ماده را از ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه می دانند اما برخی دیگر با توجه به سابقه آن در فقه، ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه را به عنوان تأییدی بر قانون مدنی ایران تلقی کرده اند نه منشأ الهام آن.^۵ اصل مزبور مورد تأکید برخی آیات قرآن کریم نیز هست و در آیاتی مثل آیه ۲۹ سوره مبارکه نساء^۶ نیز بیان گردیده است.

وفق ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه: «قراردادهایی که به صورت قانونی شکل گرفته اند، نسبت به کسانی که آنها را منعقد نموده اند نافذ هستند و تنها با رضایت طرفین و یا دلایل قانونی قابل فسخ می باشند».^۷ در واقع اصل آزادی قراردادها در هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه پذیرفته شده است. بر اساس چنین اصلی هیچ قراردادی نباید از یک طرف به طرف دیگر تحمیل شود. لیکن گاه اتفاق می افتد که در انعقاد قراردادها یکی از طرفین نسبت به دیگری در موضع ضعف قرار دارد؛ به عبارت دیگر، یکی از طرفین از

۱- Liberate Contractually

۲- طاهری، محمد علی و همکاران، دانشنامه حقوق خصوصی، تهران، انتشارات مجراب فکر، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۸

۳- پاشا صالح، علی، فرهنگنامه صالح، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۶۲

۴- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۴۴

۵- صفایی، سید حسین، قواعد عمومی قراردادها، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۷

۶- یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ.

۷- Les conventions légalement formées tiennent lieu de loi à ceux qui les ont faites. Elles ne peuvent être révoquées que de leur consentement mutuel, ou pour les causes que la loi autorise

توان چانه‌زنی بیشتری برخوردار است.^۱ این موارد بیشتر در قراردادهای مصرف‌کنندگان دیده می‌شود. این امر باعث گردید تا عدالت‌خواهان به دنبال راهی باشند تا از طرف‌های ضعیف قرارداد حمایت کنند.

از این رو، پس از ارائه نظریه جدید حمایت از طرف ضعیف قراردادی در قرن پانزدهم میلادی، تحولات شگرفی در نظام‌های حقوقی دنیا به وجود آمد و امروزه کمتر کشوری را می‌توان یافت که قواعدی برای حمایت از طرف ضعیف قرارداد که بیشتر در قراردادهای مصرف‌کنندگان مشاهده می‌شود، در نظر نگرفته باشد.^۲ پژوهش حاضر نیز به بررسی همین مسئله می‌پردازد. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی به بررسی مکانیزم‌های پیش‌بینی شده برای حمایت از طرف ضعیف قرارداد در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه می‌پردازد و نتایج حاصله را به صورت تطبیقی بررسی و مقایسه می‌کند. سعی نگارنده بر اینست که با استفاده از روش تحقیق مناسب و داده‌های منتخب و کاربردی، نتیجه‌گیری مناسب و معقولی در این خصوص ارائه دهد و حتی‌المقدور پیشنهادهاتی برای اصلاح و بهبود قوانین موضوعه ایران ارائه کند تا رسالت مطالعه و پژوهش تطبیقی را نیز به انجام رسانده باشد.

۲- عقود تحمیلی

برخی از نویسندگان حقوق، عقد تحمیلی را بدون قائل شدن تمایز با سایر عقود یک عقد حقیقی می‌دانند و در مقابل برخی دیگر، عقد تحمیلی را یک «مرکز حقوقی سازمان یافته» دانسته و صفت قراردادی برای آن قائل نیستند.^۳ نظریه اول مقبول‌تر به نظر می‌رسد؛ در چنین قراردادهایی اگرچه یکی از طرفین تقریباً مجبور به پذیرش شرایط و مفاد پیشنهادی طرف مقابل است، اما از آنجایی که در هیچ کدام از متون قانونی از لزوم تساوی قدرت و برابری اقتصادی و جایگاه طرفین صحبتی به میان نیامده، لذا برابری وضعیت طرفین شرط صحت قرارداد نیست^۴ و چنین قراردادهایی از قواعد عمومی قراردادها تبعیت می‌کنند.^۵

در اکثر قوانین موضوعه کشورهای دنیا نیز از عقود تحمیلی بحثی نشده است و

۱- کرمی، سکینه، «نابرابری قدرت چانه‌زنی به عنوان مبنایی برای کنترل قرارداد»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۲،

۱۳۹۵، ص ۶۹۶

۲- کاظم پور، سید جعفر، «بررسی تطبیقی حمایت از طرف ضعیف قرارداد در ایتالیا و دکتین نامعقول بودن در ایالات متحده آمریکا»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۱، ۱۳۸۹، ص ۱۴۰

۳- نقیبی، سید ابوالقاسم و همکاران، «اعتبارسنجی شروط تحمیلی و حمایت از طرف ضعیف در عقود تحمیلی»، آموزه‌های فقه مدنی، دوره ۱۴، شماره ۲۶، ۱۴۰۱، ص ۲۴۸

۴- کاتوزیان، ناصر، پیشین، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۴

۵- سنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید؛ نظریه الالتزام بوجه عام، بیروت، دار الفکر، ۱۹۹۸م، ص ۲۴۷

حتی در نظام حقوقی ایران و فرانسه نیز در این باره صحبتی به میان نیامده است. به طور کلی نمی‌توان شرط برابری طرفین از لحاظ اقتصادی و اجتماعی را شرط صحت معامله دانست؛ چرا که بسیاری از معاملات روزانه مردم با مشکل مواجه می‌شود. با فرض شرط دانستن چنین وضعیتی، چگونه فردی که برای ساختن یک ساختمان کوچک از یک کارخانه بزرگ و ثروتمند، مصالح مورد نیاز را خریداری می‌نماید، قادر به انجام معامله خواهد بود؟ لذا عقلا و منطقاً چنین شرطی را نمی‌توان از شروط صحت معاملات قرار داد.

برای سنجش اعتبار عقد تحمیلی در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه باید ویژگی‌ها و شرایط عقد تحمیلی را با شرایط صحت معامله در دو نظام حقوقی مذکور مقایسه کرد. از آنجایی که عقد تحمیلی هیچ گونه منافاتی با شرایط صحت معامله در قوانین موضوعه ایران و فرانسه ندارد، لذا محل تردیدی برای صحت عقد تحمیلی وجود ندارد. به همین جهت است که نظام‌های حقوقی مذکور برای حمایت از طرف ضعیف قراردادهای راهکارهایی مقرر کرده‌اند.

۳- حمایت از طرف ضعیف قرارداد در حقوق فرانسه

به دلیل ماهیت ناهمگونی که اصطلاح «طرف ضعیف قرارداد» دارد، نمی‌توان تعریفی روشن و دقیق از این مفهوم ارائه کرد. در واقع، ضعف قراردادی می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد و در بسیاری از شرایط رخ دهد. علاوه بر این، هنگامی که در یک رابطه قراردادی، یکی از طرفین ضعیف‌تر در نظر گرفته می‌شود، اغلب به افرادی مانند مصرف‌کنندگان، خردسالان یا سایر افراد غیر حرفه‌ای فکر می‌کنیم. با این حال، بسیاری از متخصصان نیز می‌توانند خود را در موقعیت ضعیفی ببینند.^۱

هرچند که حمایت از طرف ضعیف‌تر در قانون مدنی که اغلب به عنوان مخالف اصل آزادی قراردادی و اصل برابری حقوقی طرف‌های متعاقد معرفی می‌شود، غیرقابل تصور به نظر می‌رسد اما قانونگذار در قانون مدنی فرانسه دست به اصلاحاتی زد و مواردی را معین نمود تا ملاک تشخیص ضعیف واقع شدن یک طرف باشند. این موارد عبارتند از: سختی بیش از حد، عدم تعادل قابل توجه و مزیت آشکارای بیش از حد. اصلاح قانون قراردادهای با آگاهی کامل از شکل‌های جدید سوء استفاده از ضعف طرف مقابل، با تأکید بر دفاع از طرف ضعیف قرارداد و با کنترل بیشتر تعادل قراردادی، پاسخی عالی ارائه می‌کند. در ادامه به بررسی موارد اخیرالذکر در نظام حقوقی فرانسه می‌پردازیم

Troisfontaine, Ralph, "La protection de la partie faible en droit commercial : le franchisé", Faculté de droit et de criminologie, Université catholique de Louvain, Prom. : De Cordt, Yves, 2016, p4

یکی از مواردی که قانونگذار از طرف ضعیف قرارداد حمایت کرده است، سختی بیش از حد برای انجام تعهدات است. بر اساس ماده ۱۱۹۵ قانون مدنی فرانسه: «اگر تغییر غیرقابل پیش‌بینی در شرایط زمانی که قرارداد منعقد می‌شود، اجرای آن را برای طرفی که قبول خطر نکرده بود [چون تغییر غیرقابل پیش‌بینی بوده، لذا پذیرش خسارت برای طرف ضعیف امکان‌پذیر نبوده است]، به شدت طاقت فرسا کند، می‌تواند از طرف مقابل خود درخواست مذاکره مجدد درباره قرارداد کند. در طول مذاکره مجدد به انجام تعهدات خود ادامه می‌دهد. در صورت امتناع یا شکست مذاکره مجدد، طرفین می‌توانند در تاریخ و شرایطی که تعیین می‌کنند قرارداد را فسخ کنند یا با توافق دوجانبه از قاضی درخواست کنند که نسبت به تطبیق آن [با توجه به شرایط پیش آمده قاضی مفاد و شروط قرارداد را تعدیل نماید] اقدام کند. در صورت عدم توافق در مدت معقول، قاضی می‌تواند بنا به درخواست یکی از طرفین قرارداد را در تاریخ و با شرایطی که تعیین می‌کند تجدید نظر کند یا آن را فسخ کند»^۲.

یکی از مفاهیم پیچیده حقوق قرارداد همین سختی اجرای تعهدات است. برخی نویسندگان حقوقی اعتقاد دارند که این پیچیدگی از دو علت ناشی می‌شود: یک علت به ماهیت هاردشیپ وابسته است؛ زیرا هاردشیپ یک مفهوم نسبی است و در موارد مختلف، می‌تواند متفاوت باشد؛ و علت دوم به دیدگاه‌های سختگیرانه برخی از مکاتب فکری برای استفاده از هاردشیپ به عنوان دلیلی برای فسخ و تعدیل قرارداد و مفاد آن وابسته است.^۳ به همین علت است که برخی حقوق‌دانان برجسته هاردشیپ و سختی بیش از حد در اجرای تعهدات قراردادی را همان غیرممکن شدن اجرای آن می‌دانند. اکثر حقوق‌دانان اجرا نشدن قرارداد را دو گونه می‌دانند: اولاً، اجرا نشدن مطلق قرارداد، و ثانیاً، اجرا نشدن عملی آن. در نوع اول، اجرای تعهدات از لحاظ مادی یا قانونی امکان‌پذیر نیست، یعنی متعهد تحت هیچ حالتی نمی‌تواند تعهدات خویش را عملی سازد. لیکن، در

۱- Hardship

Si un changement de circonstances imprévisible lors de la conclusion du contrat rend l'exécution excessivement onéreuse pour une partie qui n'avait pas accepté d'en assumer le risque, celle-ci peut demander une renégociation du contrat à son cocontractant. Elle continue à exécuter ses obligations durant la renégociation. En cas de refus ou d'échec de la renégociation, les parties peuvent convenir de la résolution du contrat, à la date et aux conditions qu'elles déterminent, ou demander d'un commun accord au juge de procéder à son adaptation. A défaut d'accord dans un délai raisonnable, le juge peut, à la demande d'une partie, réviser le contrat ou y mettre fin, à la date et aux conditions qu'il fixe.

Ahmadpour, Ayoub, Economic Hardship in Performance of Contract: A Comparative Study of English, American and German Law and CISG, the UNIDROIT Principle and PECL Aberdeen, 2005, p5

نوع دوم، اجرای مفاد قرارداد به طور مطلق و به مانند نوع اول، غیرممکن نمی شود، بلکه به خاطر اوضاع و احوال جدیدی که پیش آمده و در حین انعقاد قرارداد قابل پیش بینی نبوده است، دشوار و پرهزینه می شود و اجرای تعهدات را با سختی بیش از حد مواجه می سازد.^۱ بر اساس مفاهیم مذکور و مقرر ماده ۱۱۹۵ قانون مدنی، قانونگذار در برابر دشوار شدن شرایط اجرای مفاد قرارداد دو اقدام پیش بینی نموده است: تعدیل قرارداد و یا فسخ آن.

۳-۱-۱- تعدیل قرارداد

بر اساس ماده ۱۱۹۳ قانون مزبور: «قراردادها را فقط می توان با رضایت طرفین یا به دلایلی که قانون اجازه داده است، اصلاح یا لغو کرد».^۲ هدف از تعدیل قرارداد منطبق کردن مفاد آن با خواست طرفین و ضرورت های اجتماعی و اقتصادی است. حقوق دانان عمدتاً سه روش برای چنین انطباقی مطرح نموده اند: الف- تعلیق اجرای قرارداد؛ ب- افزایش میزان تعهد طرف مقابل؛ و ج- کاهش میزان تعهد ناعادلانه.^۳ تعلیق اجرای قرارداد یعنی قاضی اجرای تعهدات را تا برطرف شدن اوضاع جدیدی که پیش آمده متوقف سازد. تعلیق اجرای قرارداد زمانی توسط دادرس عملی می شود که اوضاع پیش آمده موقتی باشد.^۴

کاهش میزان تعهد گزاف نیز یعنی اینکه اوضاع، ماهیت و موضوع قرارداد طوری است که با کاهش تعهدات موجود در قرارداد، خسارت وارده به متضرر جبران می شود و امکان اجرای قرارداد با شروط و اوضاع جدید، امکان پذیر می شود.^۵ آخرین روش تعدیل قرارداد افزایش میزان تعهد طرف مقابل است. دادرس با چنین عملی می کوشد تا تعادل را در اجرای تعهدات بین طرفین برقرار کند.

۳-۱-۲- فسخ

حق فسخ قرارداد، اختیاری است که قانون به طرفین یک قرارداد داده تا در صورت وجود شرایط خاصی، به آن خاتمه دهند. فسخ نمودن قرارداد از قوانین و شرایط مشخصی

۱- Jowit, Earl, The Dictionary of English Law, 2th edition, by John Bark, vol.1, Sweet Maxwell, London, 1997, p942

۲- Les contrats ne peuvent être modifiés ou révoqués que du consentement mutuel des parties, ou pour les causes que la loi autorise

۳- شفاپی، محمدرضا، بررسی تطبیقی تغییر اوضاع و احوال در قراردادها، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۶، ص ۱۴۹

۴- صادقی مقدم، محمد حسن، تغییر در شرایط قرارداد، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰، ص ۸۶

۵- شفاپی، محمدرضا، پیشین، ۱۳۷۶، ص ۱۵۰

پیروی می‌کند و نسبت به قراردادی قابل اعمال است که به طور صحیح و قانونی شکل گرفته باشد. مبنای فسخ قرارداد می‌تواند متفاوت باشد؛ یعنی اینکه یا فسخ ناشی از حقی است که طرفین در مذاکرات خویش پذیرفته‌اند (پیش بینی شروطی برای فسخ در متن قرارداد) و یا ناشی از حکم مستقیم قانون است.^۱ وفق ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی فرانسه: «تعهدات دائمی در قراردادها ممنوع است و هر کدام از طرفین می‌تواند با شرایطی که برای قرارداد مدت نامحدود پیش بینی شده است آن را فسخ کند».^۲ این امکان توسط قانونگذار به طرفین و دادرس داده شده است تا در صورت بروز دشواری و سختی بیش از حد که مانعی برای اجرای تعهدات باشد، قرارداد را فسخ کنند. این حمایتی قانونی توسط قانونگذار از طرف ضعیف قراردادی خوانده می‌شود.

۳-۲- عدم تعادل قابل توجه

عوامل متعددی من جمله نوسانات پولی، بحران‌های اقتصادی ناشی از وقوع جنگ و انقلاب و امثالهم، تعادل اقتصادی قرارداد را دگرگون می‌سازند، به‌طوری که اجرای کامل تعهدات قرارداد باعث به‌دست آمدن سود کلان برای یک طرف و ورشکستگی طرف دیگر می‌شود.^۳ به عبارت دیگر، با برهم خوردن تعادل قرارداد یکی از طرفین در موضع ضعف قرار می‌گیرد. از لحاظ مفهومی برهم خوردن تعادل قرارداد با بروز سختی بیش از حد که در بخش قبلی بررسی شد، شباهت بسیاری دارد.

از دیگر روش‌های حمایتی قانون مدنی فرانسه از طرف ضعیف قرارداد، حفظ تعادل قرارداد است. وفق ماده ۱۱۷۱ قانون مزبور: «در قرارداد الحاق، هر بند غیر قابل مذاکره که از قبل توسط یکی از طرفین تعیین شده باشد و عدم تعادل قابل توجهی بین حقوق و تعهدات طرفین قرارداد ایجاد کند، نانوشته تلقی می‌شود. ارزیابی عدم تعادل قابل توجه نه به هدف اصلی قرارداد و نه به کفایت قیمت برای خدمات مربوط می‌شود».^۴ نحوه برخورد قانونگذار با چنین مواردی مشابه بخش قبلی می‌باشد؛ فسخ و تعدیل قرارداد روش‌های حمایتی قانونگذار از طرف ضعیف قرارداد هستند.

۱- شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، چاپ ۵، تهران، مجمع علمی فرهنگی مجلد، ۱۳۸۱، ص ۲۰۲

۲- Les engagements perpétuels sont prohibés. Chaque contractant peut y mettre fin dans les conditions prévues pour le contrat à durée indéterminée

۳- توسلی نایینی، منوچهر و بهزادی پور، سعید، «بر هم خوردن تعادل اقتصادی قرارداد و پیش بینی شرط هاردشیپ در قراردادهای بین المللی»، دانش حقوق مدنی، دوره ۵، شماره ۱، ۱۳۹۵، ص ۲

۴- Dans un contrat d'adhésion, toute clause non négociable, déterminée à l'avance par l'une des parties, qui crée un déséquilibre significatif entre les droits et obligations des parties au contrat est réputée non écrite. L'appréciation du déséquilibre significatif ne porte ni sur l'objet principal du contrat ni sur l'adéquation du prix à la prestation

۳-۳- مزیت آشکارای بیش از حد

اجرای حقوق ناشی از قرارداد باید به شکل قابل قبول و متعارف انجام بگیرد و عدول از چنین وضعیتی منجر به سوءاستفاده از حق قراردادی می شود. به هر اندازه هم که سعی و کوشش شود تا جلوی سوءاستفاده از حق قراردادی گرفته شود و راهکارهای قانونی و ضمانت اجراهای سنگین برای آن اندیشیده شود، بازهم سوءاستفاده از حق قراردادی امری اجتناب ناپذیر است، چراکه این امر بسته به نگرش صاحب حق و ذی حق در مورد استفاده از حق خویش دارد، اگر او بخواهد از حق ایجاد شده از قرارداد منعقد با دیگران سوءاستفاده نماید و از محدوده‌ی حق تجاوز کند، بدون شک سوءاستفاده از حق قراردادی به وقوع خواهد پیوست و گریزی از آن نخواهد بود.

قراردادهایی مانند قراردادهای دربردارنده شروط تحمیلی، قراردادهای متضمن وجه التزام، قراردادهای متأثر از تغییر اوضاع و احوال، قراردادهای الحاقی و قراردادهای مصرف کننده، قابلیت سوء استفاده از حق برای یکی از طرفین را ایجاد می کنند. وجود ضمانت اجرایی مانند «فسخ قرارداد»، «تعدیل قرارداد» و «جبران خسارت»، عواملی اساسی در پیشگیری از وقوع سوءاستفاده از حق در مرحله اجرای قرارداد هستند. قانون مدنی فرانسه نیز، در صورت وقوع سوء استفاده از حق توسط یکی از طرفین، از طرف ضعیف قرارداد حمایت کرده (ماده ۱۱۴۳^۱) و بازهم مشابه دو بخش قبلی یعنی سختی بیش از حد اجرای قرارداد و برهم خوردن تعادل قراردادی، روش های مشابهی برای حمایت از طرف ضعیف قرارداد در نظر گرفته است.

۴- حمایت از طرف ضعیف قرارداد در حقوق ایران

امروزه اکثر نظام های حقوقی دنیا راهکارها و تدابیری برای حمایت از طرف ضعیف قرارداد اندیشیده اند؛ نظام حقوقی ایران نیز از این وضعیت مستثنا نیست. مهمترین سند حمایت قانونگذار در قوانین ایران از طرف ضعیف قرارداد در اصل ۴۰ قانون اساسی^۲ قابل مشاهده است. بر اساس اصل مذکور، در حقوق ایران، اختیار مالک مطلق نیست و در هر مورد که باعث اضرار ناروا به حقوق دیگران یا منافع عمومی گردد، محدود می شود. به بیان دیگر در تراحم قاعده لاضرر و تسلیط، قاعده لاضرر مقدم است.^۳ به عبارت دیگر حقوق و آزادی های فردی باید به نوعی تفسیر شود که به حقوق و آزادی های دیگران

۱- Il y a également violence lorsqu'une partie, abusant de l'état de dépendance dans lequel se trouve son cocontractant à son égard, obtient de lui un engagement qu'il n'aurait pas souscrit en l'absence d'une telle contrainte et en tire un avantage manifestement excessif

۲- هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

۳- کاتوزیان، ناصر، الزام های خارج از قرارداد، چاپ ۹، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۷۳

لطمه وارد نشود.^۱ این اصل در ماده ۱۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و مواد ۱۰۶^۲، ۱۳۲^۳ و ۳۳۱^۴ قانون مدنی تبلور یافته است.

همچنین قانونگذار با تصویب قوانینی چون قانون کار، قانون حمایت از مصرف کنندگان، قانون روابط موجر و مستاجر و ... گام‌هایی در جهت حمایت از طرف ضعیف قرارداد برداشته است. اما نمی‌توان مدعی شد که قانونگذار یک ساختار منظم و هدفمند برای حمایت از طرف ضعیف در نظر گرفته است. همچنان که ساختار نظام‌مندی درخصوص حمایت از طرف ضعیف قرارداد در نظام حقوقی ایران یافت نمی‌شود، لکن روش‌های تعدیل قراردادی برای حمایت از طرف ضعیف، آنهم به صورت جسته و گریخته و گاه ناقص در قوانین موضوعه ایران یافت می‌شود. در ادامه به بررسی روش‌های مذکور می‌پردازیم.

۴-۱- تعدیل قرارداد

درباره تعدیل قراردادی در روش‌های حمایت از طرف ضعیف قرارداد در حقوق فرانسه بحث شد. به طور کلی سه روش تعدیل قرارداد وجود دارد: تعدیل قانونی، تعدیل قراردادی و تعدیل قضایی. منظور از تعدیل قراردادی این است که طرفین قرارداد یا یکی از طرفین بتوانند بدون نیاز به حضور در مراجع قضایی مفاد یا شروط قراردادی را تغییر دهند. تعدیل قانونی هم این است که قانونگذار به قاضی این اجازه را اعطا کرده است تا در موارد خاصی، با احراز شرایطی مفاد یا شروط قراردادی را تعدیل نماید. تعدیل قضایی هم این است که دادگاه بتواند بدون استناد به مواد قانون و با نظر خود مفاد یا شرایط قراردادی را تغییر دهد. با فرض علم به تعاریف مذکور و عدم ضرورت تشریح بیشتر به بحث ورود می‌نماییم.

۴-۱-۱- تعدیل قراردادی

در نظام حقوقی ایران تعدیل قراردادی پذیرفته شده است. تعدیل قراردادی به دو صورت تعدیل قرارداد با توافق بعدی طرفین و شرط تعدیل قرارداد توسط یکی از طرفین قرارداد، در قوانین موضوعه ایران قابل مشاهده است. صورت اول همان اقاله است. اقاله

۱- عمید زنجانی، عباسعلی، کلیات حقوق اساسی، چاپ ۳، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۷، ص ۳۹

۲- چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص در تراحم باشد، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهم‌تر باشد.

۳- مالک ملکی که مورد حق‌الارتفاق غیر است نمی‌تواند در ملک خود تصرفاتی نماید که باعث تضییع یا تعطیل حق مزبور باشد مگر با اجازه صاحب حق.

۴- کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد.

۵- هرکس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت آن برآید.

یا تفاسخ اصطلاحی حقوقی است بر توافق دو طرف یک قرارداد، به منظور برهم زدن و از میان بردن آثار آن قرارداد در آینده و معنای لغوی آن رهایی می باشد. در واقع اقاله خود نیز نوعی عقد است و یکی از سه سبب اصلی انحلال قرارداد در کنار خیارات و انفساخ (انحلال قهری قرارداد) است.^۱ قانونگذار در ماده ۲۸۳ قانون مدنی مقرر داشته است که طرفین می توانند پس از معامله، به تراضی آن را اقاله یا تفاسخ نمایند.

صورت دوم نیز در قوانین ایران و خصوصاً در قراردادهای پیمانکاری به وضوح قابل مشاهده است. در برخی از قراردادها ممکن است به یکی از طرفین قرارداد این اختیار اعطا شود تا بتواند بدون نیاز به مراجعه به دادگاه و بدون نیاز به توافق با طرف دیگر قرارداد، برخی از مفاد یا شروط قرارداد را تغییر دهد. این موضوع بیشتر در قراردادهای پیمانکاری مشاهده می شود. برای نمونه ممکن است در برخی از قراردادهای پیمانکاری این شرط قید شود که کارفرما می تواند تا سقف ۲۵ درصد موضوع قرارداد را افزایش دهد.

۴-۱-۲- تعدیل قانونی

در نظام حقوقی ایران تعدیل قانونی به رسمیت شناخته شده است. مثلاً مطابق با ماده ۴ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶، موجر و مستأجر می توانند با توجه به افزایش یا کاهش مخارج، از دادگاه درخواست تعدیل اجاره بها را بنمایند. به عبارت دیگر، موجر و مستأجر می توانند از دادگاه بخواهند که به دلیل افزایش مخارج، اجاره بها را افزایش یا کاهش دهد. در ماده ۱۷۹ قانون دریایی ایران مصوب ۱۳۴۳ نیز تعدیل قانونی قراردادها قابل مشاهده است. تعدیل قانونی در تعدیل مهریه به نرخ روز نیز در قوانین موضوعه ایران یافت می شود.

۴-۱-۳- تعدیل قضایی

در رویه قضایی ایران رأی دال بر تعدیل قضایی و دخالت قاضی در مفاد قرارداد مشاهده نشده است، بلکه صرفاً با استناد به قواعدی چون «قاعده لاضرر»، «قاعده عسر و حرج»، «قاعده اضطرار» و «قاعده تسعیر»، صدور رأی به فسخ قرارداد توسط خواهان دیده شده است.^۳ به بیان بهتر، تعدیل قضایی در قانون ایران پیش بینی نشده است. یعنی

۱- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ اعمال حقوقی قرارداد-ایقاع، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵، ص ۳۲۹
 ۲- هر قرارداد کمک و نجات که در حین خطر و تحت تأثیر آن منعقد شده و شرائط آن بتشخیص دادگاه غیرعادلانه باشد ممکن است بتقاضای هر یک از طرفین بوسیله دادگاه باطل و یا تغییر داده شود. در کلیه موارد چنانچه ثابت شود رضایت یکی از طرفین قرارداد بر اثر حیل یا خدعه یا اغفال جلب شده است و یا اجرت مذکور در قرارداد ذکر شده به نسبت خدمت انجام یافته فوق العاده زیاد و یا کم است دادگاه میتواند به تقاضای یکی از طرفین قرارداد را تغییر داده و یا بطلان آنرا اعلام نماید.
 ۳- نجفی، آزاده و همکاران، «سازوکارهای حقوقی حمایت از طرف ضعیف در عقود تحمیلی»، دانش حقوق مدنی، سال دهم، شماره ۱۹، ۱۴۰۰، ص ۱۵

قانونگذار این اجازه را به دادگاه‌ها نداده است تا بتوانند بر مبنای نظر خود و با استناد به اصولی مانند عدالت و انصاف، مفاد یا شروط قراردادی را تغییر دهند و آن را تعدیل نمایند.

در واقع در قانون ایران تعدیل قضایی خلاف اصل الزام‌آور بودن قراردادها است و ممنوع می‌باشد. «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد، بین متعاملین و قائم مقام آن‌ها لازم‌الاتباع است، مگر اینکه به رضای طرفین اقاله و یا به علت قانونی فسخ شود»^۱ (تعدیل قراردادی و قانونی مورد پذیرش قانونگذار است). بنابراین قانونگذار در قانون مدنی، اصلی را تاسیس کرده است که اعلام می‌دارد، هر عقد لازم است و باید اجرا شود مگر در مواردی که قانون معین کرده است. این اصل همان نهادی است که «اصل لزوم قراردادها» نام گرفته است.^۲ رویه قضایی نیز با قاطعیت و جدیت از اصل لزوم قراردادها تبعیت کرده است.^۳

۲-۴- تفسیر قراردادها

تفسیر قرارداد یعنی رفع ابهام از قرارداد در راستای احراز قصد مشترک طرفین.^۴ تفسیر باید با روشی علمی و قابل نظارت صورت پذیرد و روح نظام قراردادی حاکم بر آن باشد. برخی از نویسندگان حقوقی به اداره عقد و قرارداد تمایل دارند و عقد را همانند پدیده‌ای اجتماعی می‌دانند که تابع مصالح و ضرورت‌ها است. هدف این گروه از حقوق‌دانان اجرای عدالت است؛ هرچند که به تعدیل شروط غیرمنصفانه بیانجامد.^۵ اصل کلی در تفسیر قراردادها این است که عبارات مبهم و مجمل باید به نفع متعهد تفسیر شوند ولی در حمایت از طرف ضعیف قرارداد تفسیر به گونه‌ای دیگر است؛ عبارات مبهم و مجمل در حمایت از طرف ضعیف قرارداد باید به نفع طرف ضعیف قرارداد (چه داین باشد و چه مدیون) تفسیر شوند.^۶ اما این دیدگاه عدالت خواهان است و در قوانین موضوعه ایران ماده‌ای صریح برای تفسیر قراردادها به نفع طرف ضعیف مشاهده نمی‌شود.

۳-۴- حذف شروط غیرمنصفانه

- ۱- ماده ۲۱۹ قانون مدنی
- ۲- شهیدی، مهدی، حقوق مدنی اصول قراردادها و تعهدات، چاپ ۳، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۵۶
- ۳- رای وحدت رویه شماره ۸۱۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۴ هیات عمومی دیوان عالی کشور درباره استرداد میع به بایع به علت اعمال حق فسخ ناشی از عدم پرداخت ثمن حتی در صورت انتقال میع
- ۴- براتی، رویا سادات، «بررسی قواعد و اصول تفسیر قرارداد و آثار آن»، فصلنامه داخلی کانون وکلای دادگستری، شماره ۱۸، ۱۳۹۸، ص ۶۱
- ۵- کاتوزیان، ناصر، «تفسیر قرارداد»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۰، ۱۳۸۴، ص ۲۷۷
- ۶- نجفی، آزاده و همکاران، پیشین، ۱۴۰۰، ص ۱۷

منظور از حذف شروط غیرمنصفانه این است که دادرس بدون اینکه شروط قرارداد یا تعهدات آن را تعدیل نماید، شروطی که به صورت غیرمنصفانه و تحمیلی به یکی از طرفین تحمیل شده‌اند را به طور کلی حذف نماید، بدون آنکه به عقد لطمه‌ای وارد سازد. مثلاً اگر عقد متشکل از ده شرط است که از دیدگاه دادرس و با بررسی عرفی، یکی از این شروط غیرمنصفانه و تحمیلی به نظر می‌رسد، دادرس بدون وارد ساختن خدشه به شروط دیگر و ماهیت و صحت عقد، شرط مزبور را حذف نماید.

هرچند که در برخی از نظام‌های حقوقی دنیا برای حمایت از طرف ضعیف قراردادی راهکارهایی برای شناسایی شروط غیرمنصفانه پیش‌بینی شده است و به تبع آن به دادرس این اختیار داده شده است تا پس از شناسایی شروط تحمیلی و غیرمنصفانه آن‌ها را از قرارداد حذف نماید؛ لیکن، در قوانین موضوعه ایران، قانونی که به دادرس امکان چنین مداخله‌ای را داده باشد، یافت نمی‌شود.

۵- نتیجه گیری

گفته شد که امروزه اکثر نظام‌های حقوقی دنیا از طرف ضعیف قرارداد حمایت کرده و سازوکارهایی در این خصوص اندیشیده‌اند. نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه نیز از این قضیه مستثنا نیستند و حمایت از طرف ضعیف قراردادی را پذیرفته‌اند. در حقوق فرانسه حمایت از طرف ضعیف قراردادی در سه حالت سختی بیش از حد، عدم تعادل قابل توجه و مزیت آشکارای بیش از حد پیش‌بینی شده است. با توجه به مفهومی که از اصطلاح «طرف ضعیف قرارداد» به ذهن متبادر می‌گردد، طبیعی است که هر سه حالت پیش‌بینی شده توسط قانونگذار فرانسوی، مفاهیم تقریباً یکسانی به نظر برسند. لیکن، با دقت در آن‌ها می‌توان دریافت که تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. روش‌هایی هم که در نظام حقوقی فرانسه برای حمایت از طرف ضعیف قرارداد در سه حالت مذکور پیش‌بینی شده است، تعدیل قرارداد و فسخ آن می‌باشد.

در نظام حقوقی ایران نیز با الهام از مفاهیم و اهداف عدالت محور فقه امامیه و تبعیت از نظریه دکترین حقوقی، حمایت از طرف ضعیف قرارداد پذیرفته شده است. هرچند که ساختار نظام‌مند و مشخص و روشی جامع و کامل برای آن سنجیده نشده است؛ لیکن، در حد قابل قبولی می‌تواند به سمت اهداف حمایت از طرف ضعیف قرارداد حرکت کند. البته قانونگذار ایرانی با تصویب قوانینی مانند قانون حمایت از مصرف کنندگان، قانون دریایی و ... تمایل خود نسبت به حمایت از طرف ضعیف را نشان داده است. روش‌های حمایت از طرف ضعیف قرارداد در این نظام حقوقی هم به مانند کشور فرانسه، تعدیل و فسخ به شمار می‌روند.

اگرچه قانونگذاران و حقوقدانان ایرانی و فرانسوی در بیان و تقسیم‌بندی روش‌های

حمایت از طرف ضعیف، به روش مشابهی عمل نکرده‌اند؛ اما مفاهیم تقریباً یکسانی تدوین نموده‌اند. می‌توان ادعا نمود که حقوق ایران در حمایت از طرف ضعیف قرارداد چندین گام از حقوق فرانسه عقب است. به طور خلاصه، نتایج مقایسه‌ای حمایت از طرف ضعیف در نظام‌های حقوقی مذکور به شرح ذیل بیان می‌شوند:

۱- روش‌های کلی هر دو نظام حقوقی برای حمایت از طرف ضعیف قرارداد، تعدیل قرارداد و فسخ آن می‌باشند.

۲- در نظام حقوقی فرانسه به استناد ماده ۱۱۹۵ قانون مدنی، تعدیل قضایی به رسمیت شناخته شده است، اما در نظام حقوقی ایران، خیر.

۳- در هر دو نظام حقوقی مورد مطالعه، تعدیل قراردادی و قانونی به رسمیت شناخته شده است.

۴- در نظام حقوقی ایران، قانونی که اجازه حذف شروط تحمیلی و غیرمنصفانه را به دادرس بدهد یافت نشد، لکن قانون مدنی فرانسه چنین اجازه‌ای را به قضات داده است

۵- در نظام حقوقی ایران، قانونی برای تفسیر قرارداد به نفع طرف ضعیف قرارداد تصریح نشده است، لیکن در قانون مدنی فرانسه، دادرسی با تفسیر قرارداد است که می‌تواند شروط تحمیلی و غیرمنصفانه را شناسایی و نهایتاً آن‌ها را حذف و یا تعدیل نماید.

منابع

الف) منابع پارسی

- ۱- براتی، رویا سادات، «بررسی قواعد و اصول تفسیر قرارداد و آثار آن»، فصلنامه داخلی کانون وکلای دادگستری، شماره ۱۸، ۱۳۹۸.
- ۲- پاشا صالح، علی، فرهنگنامه صالح، جلد ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- ۳- توسلی نایینی، منوچهر و بهزادی پور، سعید، «برهم خوردن تعادل اقتصادی قرارداد و پیش بینی شرط هاردشیپ در قراردادهای بین المللی»، دانش حقوق مدنی، دوره ۵، شماره ۱، ۱۳۹۵.
- ۴- سنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید؛ نظریه الالتزام بوجه عام، بیروت، دار الفکر، ۱۹۹۸م.

- ۵- شفایی، محمدرضا، بررسی تطبیقی تغییر اوضاع و احوال در قراردادهای، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۶.
- ۶- شهیدی، مهدی، حقوق مدنی اصول قراردادهای و تعهدات، جلد ۲، چاپ ۳، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۳.
- ۷- شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، چاپ ۵، تهران، مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۸۱.
- ۸- صادقی مقدم، محمد حسن، تغییر در شرایط قرارداد، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰.
- ۹- صفایی، سید حسین، قواعد عمومی قراردادهای، جلد ۲، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴.
- ۱۰- طاهری، محمد علی و همکاران، دانشنامه حقوق خصوصی، جلد ۱، تهران، انتشارات محراب فکر، ۱۳۸۴.
- ۱۱- عمید زنجانی، عباسعلی، کلیات حقوق اساسی، چاپ ۳، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۷.
- ۱۲- کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد، جلد ۲، چاپ ۹، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.
- ۱۳- کاتوزیان، ناصر، «تفسیر قرارداد»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۰، ۱۳۸۴.
- ۱۴- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ اعمال حقوقی قرارداد-ایقاع، چاپ ۱۰، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.
- ۱۵- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادهای، جلد ۱، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۴.
- ۱۶- کاظم پور، سید جعفر، «بررسی تطبیقی حمایت از طرف ضعیف قرارداد در ایتالیا و دکترین نامعقول بودن در ایالات متحده آمریکا»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۱، ۱۳۸۹.
- ۱۷- کرمی، سکینه، «نابرابری قدرت چانه زنی به عنوان مبنایی برای کنترل قرارداد»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۲، ۱۳۹۵.
- ۱۸- نجفی، آزاده و تقی زاده، ابراهیم و چهکندی نژاد، علی، «سازوکارهای حقوقی حمایت از طرف ضعیف در عقود تحمیلی»، دانش حقوق مدنی، سال دهم، شماره ۱۹،

۱۹- نقیبی، سید ابوالقاسم و تقی زاده، ابراهیم و حسینی، عدنان، «اعتبارسنجی شروط تحمیلی و حمایت از طرف ضعیف در عقود تحمیلی»، آموزه های فقه مدنی، دوره ۱۴، شماره ۲۶، ۱۴۰۱.

ب) منابع غیرپارسی

20- Ahmadpour, Ayoub, Economic Hardship in Performance of Contract: A Comparative Study of English, American and German Law and CISG, the UNIDROIT Principle and PECL Aberdeen, 2005.

21- Jowit, Earl, The Dictionary of English Law, 2th edition ,by John Bark, vol.1, Sweet Maxwell, London, 1997.

22- Troisfontaine, Ralph, “La protection de la partie faible en droit commercial : le franchisé”, Faculté de droit et de criminologie, Université catholique de Louvain, Prom. : De Cordt, Yves, 2016.